

مقدمه

ازدواج، یکی از ابتدایی‌ترین نهادهای بشری است که زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. از میان مقولات مرتبط با ازدواج، رضایت زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. رضایتمندی زناشویی به شادی برخاسته از پذیرش غیرمشروط زوجین توسط یکدیگر اشاره دارد (آپرسان و کریستیا (Oprisan & Cristea)، ۲۰۱۲). بین رضایتمندی زناشویی و معنای زندگی، همبستگی مثبت معناداری وجود دارد (ر.ک: گواهی جهان، ۱۳۸۴؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). دارا بودن معنای مشترک در زندگی زناشویی، می‌تواند به عنوان روشی برای افزایش روابط صمیمانه بین همسران و بهبود عملکرد خانواده در نظر گرفته شود (لانتر (Lantz)، ۲۰۰۰؛ نصر اصفهانی، ۱۳۹۰؛ ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳؛ پارگمنت و ماهونی (Pargament & Mahoney)، ۲۰۰۵؛ دولاهیت و لامبرت (Dollahite & Lambert)، ۲۰۰۸؛ دولاهیت و همکاران، ۲۰۱۲).

معنا، آمیزه‌ای پیچیده از ارزش‌ها، عقاید، احساسات و طرح‌واره‌های مفهومی است که ذات پدیدارشناختی انسان را به وجود می‌آورد. معنا، الگویی یکپارچه و کل‌گرا از جهت‌گیری در قبال خود، دیگران و جهان است. نظامی جهت‌دهنده، چارچوب مرجع و ته نقشی از خود و جهان، که برای پیش‌بینی رویدادهای زندگی و کنار آمدن با آنها، به کار می‌رود (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶۶۷).

محمد و همکاران (۲۰۱۱)، گزارش نمودند معنای زندگی به‌عنوان پدیده‌ای روان‌شناختی، تنها براساس دیدگاه غربی فهمیده شده و همان برای جست‌وجوی ادراک مسلمانان در این زمینه به کار گرفته می‌شود. فرهنگ، از مهم‌ترین عوامل مؤثر و منابع حمایتی تأثیرگذار در مراحل رشد روانی، تکالیف مراحل زندگی، شکل‌گیری اهداف و ارزش‌های زندگی فرد و خانواده می‌باشند. درمان‌های شناختی، به شدت متأثر از زمینه‌های فرهنگی، باورها و ارزش‌های درون فرهنگی است و کارایی آن، تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اعتقادات مردمی است که این درمان‌ها درباره آنان، به کار برده می‌شود. بنابراین، لازم است موضوعات مربوط با خانواده در فضای اجتماعی، دینی و فرهنگی همان خانواده مورد بررسی قرار گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰).

معنای زندگی، معنای ازدواج و معنای مشترک، همگی معانی‌ای هستند که در بطن جامعه و فرهنگ ساخته می‌شوند. گرچه در زندگی انسان‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کند، ولی تا سال‌های اخیر معمولاً نقش آن در خانواده و رضایت زناشویی نادیده گرفته شده و عمده تحقیقاتی هم که در این زمینه وجود دارد، مبتنی بر نظریه مطروحه فرانکل است. این پژوهش، درصدد دستیابی به مؤلفه‌های معنای زندگی مبتنی

بررسی مؤلفه‌های معنای زندگی، ازدواج و زندگی مشترک

در زوجین رضایتمند زناشویی

z_gitipasand@yahoo.com

کژ زهرا گیتی‌پسند / دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی
کیومرث فرح‌بخش / استادیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی
معصومه اسمعیلی / دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی
محمد سعید ذکایی / دکتری علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۹

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی معنای زندگی در زوجین رضایتمند و ارائه الگوی معنای زندگی رضایت‌بخش، انجام گرفت. جامعه آماری زوجین رضایتمند تهرانی بودند که از بین آنان، ۸ زوج از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. طول مدت زندگی مشترک زوجین منتخب، کمتر از ۱۵ سال و حداقل دارای یک فرزند بودند. پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های کیفی انجام و برای دستیابی به داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در مرحله اول، هریک از زوجین به‌تنهایی و در مرحله بعد، در کنار هم، مورد مصاحبه قرار گرفتند. میانگین مدت زمان مصاحبه‌های فردی، ۶۰ و مصاحبه‌های مشترک، ۳۰ دقیقه بود. برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه، از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. یافته‌ها، ضمن معرفی مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، معنای ازدواج و معنای زندگی مشترک زوجین، نشان داد همخوانی معنایی، همکاری در ساخت معنای مشترک و توانایی مذاکره در زوجین وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی فردی، معنای ازدواج، معنای زندگی مشترک، الگوی معنای زندگی رضایت‌بخش.

بر فرهنگ در زوجین رضایتمند است. در این پژوهش، تلاش شده است مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، معنای ازدواج و معنای زندگی مشترک زوجین رضایتمند زناشویی، شناسایی شود تا دیدگاه فرهنگی جدیدی نسبت به توانمندی‌ها و مشکلات خانواده‌های ایرانی ارائه شود.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع مطالعات کیفی است و برای اجرای آن، از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. در این روش، به جای استفاده از داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های برخاسته از ادبیات پژوهش، که در تحقیقات کمی انجام می‌گیرد، از گزارش‌های کلامی افراد در مورد تجاربشان به عنوان «داده» استفاده می‌شود. هدف نهایی، فراهم کردن مجموعه‌ای از مفاهیم نظری است که به بهترین شکل داده‌ها را توصیف کنند.

جامعه و نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، که هدف آن تحلیل عمیق موضوع مورد بررسی است، به اندازه تحقیقات کمی اهمیت ندارد (هومن، ۱۳۸۰، ص ۶۸). باس (Boss) (۱۹۸۰)، عنوان می‌کند یک شیوه مناسب برای ایجاد سازه‌های نظری بامعنا، با مطالعه بر روی افرادی حاصل می‌شود که در متغیرهای موردنظر سرآمد یا الگو باشند. هدف این پژوهش، تمرکز بر زوجینی بود که در رضایت زناشویی الگو باشند، تا بتوانیم داده‌های غنی‌تری به دست آوریم. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (برگ (Berg)، ۲۰۰۱)، زوجین دارای رضایت زناشویی بالا (براساس اظهارات خودشان و نیز نمره آنها در آزمون انریچ - نمره بالاتر از ۵۰)، برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. زوجین شرکت‌کننده در این پژوهش، همگی از ساکنان شرق تهران بودند و با توجه به جمعیت غالب جامعه ایران، همگی از بین مسلمانان شیعه و با حداقل سطح تحصیلات دیپلم، انتخاب شدند. همچنین برای ثابت نگه داشتن برخی عوامل زمینه‌ای، زوجینی انتخاب شدند که طول مدت زندگی مشترک آنان، بین ۵ تا ۱۵ سال بود و بالای ۳۰ سال سن داشتند و دارای حداقل یک فرزند بودند. انتخاب این نمونه، اجازه می‌داد تا تمرکز عمیقی بر سؤالات پژوهش داشته باشیم. تعداد نمونه از ابتدای کار مشخص نبود. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که مصاحبه‌ها به حالت اشباع نظری برسند. حالت اشباع، به وضعیتی گفته می‌شود که پاسخی که شرکت‌کنندگان جدید به سؤالات مصاحبه می‌دهند، مشابه همان پاسخ‌هایی باشد که شرکت‌کنندگان قبلی به سؤالات مصاحبه داده‌اند. این پژوهش، با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته در ۸ زوج (۸ زن و ۸ شوهر) رضایتمند زناشویی به اشباع نظری رسید و متوقف شد.

ابزار پژوهش

برای شناسایی زوجین رضایتمند زناشویی، پس از شناسایی تاریخچه زندگی افراد و احساس میزان رضایت‌مندی، برای تأیید میزان رضایت، از فرم ۴۷ سؤالی مقیاس رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. در کشور ما، اولین بار سلیمانیان و نوابی‌نژاد (۱۳۷۳) همبستگی درونی آزمون را برای فرم بلند ۰/۹۳ و برای فرم کوتاه ۰/۹۵ محاسبه و گزارش کرده‌اند و شرکت روان تجهیز سینا، آن را منتشر کرده است. نمره‌های بالاتر از ۵۰، به‌عنوان زوجین رضایتمند زناشویی مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابتدا به زوجینی که پذیرفتند، در پژوهش مشارکت داشته باشند، در خصوص رازداری اطمینان داده شد. سپس در مرحله اول، هریک از زوجین به‌تنبهایی و در مرحله بعد، در کنار هم، مورد مصاحبه قرار گرفتند. به‌طورکلی، در مورد هر خانواده، ۳ مصاحبه صورت پذیرفت. تعداد زوجین رضایتمند، ۸ زوج و بنابراین ۲۴ مصاحبه صورت پذیرفت. میانگین مدت زمان مصاحبه‌های فردی زوجین، ۶۰ دقیقه و مصاحبه‌های مشترک آنان، ۳۰ دقیقه بود. محورهای سؤالات مصاحبه، به معنای زندگی فردی، ارتباط با خدا، خود، دیگران و جهان، معنای ازدواج (ازدواج را چگونه پیوندی می‌دانید؟ به نظر شما زندگی زناشویی تا کجا تداوم پیدا می‌کند؟ جایگاه زن و شوهر در رابطه شما با یکدیگر چگونه است؟) و معنای زندگی مشترک (چه دیدگاهی نسبت به آینده زندگی زناشویی خود دارید؟ چه انتظاراتی درباره زندگی زناشویی خود دارید؟) می‌پرداخت.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، ابتدا از شیوه کدگذاری باز استفاده شد که در آن هر واژه، عبارت یا جمله معنی‌دار به عنوان کدها تعیین می‌شوند. در مرحله دوم (کدگذاری محوری)، ارتباط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها مشخص شد و چارچوب بیشتری به آنها داده شد. مرحله آخر، کدگذاری انتخابی بود که مقوله‌های مختلف باهم یکپارچه شده و پیرامون یک مفهوم توصیفی محوری (تم‌ها) تلفیق شدند و به صورت الگوی مفهومی ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

تحلیل مصاحبه‌ها، مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، معنای ازدواج و معنای زندگی مشترک زوجین رضایتمند زناشویی را شناسایی نمود. مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، خداباوری در عین انجام اعمال عبادی، توکل به خدا در حل مشکلات و در نظر گرفتن مرگ، به عنوان زندگی دوباره بودند. همچنین ازدواج در زمان مناسب، دیدگاه و اهداف مناسب در زمینه ازدواج، خودآگاهی و خویشتن‌داری بالا و دارا بودن صفات صبر، بخشش و فداکاری، انتخاب منطقی همسر، از بین سایر

گزینه‌های ازدواج، برگزاری مراسم ازدواج به‌طور سنتی (اطلاع خانواده‌ها، خواستگاری و...)، افق دید گسترده در خصوص ازدواج (رشد، تربیت فرزند)، باورهای منطقی در مورد عشق و رابطه زناشویی (عدم تحمیل عقاید خود به همسر، استنادهای مثبت به رفتارهای یکدیگر، مراقبت از رابطه زناشویی)، اولویت دادن به همسر پس از آغاز زندگی زناشویی و اولویت قرار دادن نیازهای همسر نسبت به سایرین، ساماندهی مجدد برقراری ارتباط با والدین (محترمانه و در عین حال بعد از ارتباط زوجی)، پذیرش مسئولیت‌ها و نقش‌های زناشویی، تأکید زنان و مردان بر نقش برابر زوجین در روابط زناشویی، تأکید زنان بر بالا بودن جایگاه مرد در زندگی، مشارکت در تصمیم‌گیری، صداقت و میل به گفت‌وگو و مذاکره، تمایل به پیگیری اهداف خانوادگی، ایجاد فضای آرام در خانه و امیدواری به آینده زندگی زناشویی، به‌عنوان مؤلفه‌های معنای ازدواج و زندگی مشترک، شناسایی شد.

جدول شماره ۱. نمونه‌هایی از کدگذاری عبارات مهم معنای زندگی در زوجین رضایتمند زناشویی

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
اعتماد به نفس خوبی دارم و پشتکار دارم. از شکست نمی‌ترسم، اعتماد به نفس بالایی دارم. فکر می‌کنم دیگران از من امیدوارترند. صبور هستم. خودم را باور دارم. خودم را دوست دارم.	خودآگاهی / عدم خودآگاهی	معنای زندگی فردی	روابط انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت به‌عنوان منظرگاه شخصی معنای زندگی در نظر گرفته می‌شود.
خیلی دوست داشتم با کسی ازدواج کنم که آدم صمیمی باشد. یک کانون گرم خانوادگی همراه با آرامش ازدواج پیوند الهی و مقدس است. یک رابطه صمیمانه که هیچ‌کس نتواند روی روابط آن تأثیر بگذارد.	موقعیت خاص / معمولی	معنای ازدواج	معنای ازدواج تولیحا با چگونگی رفتار فرد، قبل و در طی رابطه زناشویی با عملکرد زناشویی مرتبط است.
در عمل نشان می‌دهم که همسر را دوست دارم. سعی می‌کنم احساس همسر را درک کنم و برای شروع ارتباط پیش‌قدم شوم. سعی می‌کنم ابراز محبت هم‌کلامی باشد و هم غیرکلامی و شروع‌کننده ارتباط باشم تا مشکل حل شود. همیشه همسر اهل مشورت است. با رسیدگی به همسر، در عمل علاقه‌ام را نشان می‌دادم.	ازدواج به‌عنوان رابطه‌ای نیازمند مراقبت	معنای ازدواج	توانایی مذاکره

محتوا و عبارات مهم	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
هدف ما رسیدن به آرامش بود. من با پیدا کردن یک یار صدیق به آرامش رسیدم. زندگی ما بدون دغدغه است. سرشار از آرامش از بین بردن معایب فردی و رسیدن به آرامش در کنار یکدیگر. زن و شوهر باید آرامش را برای همدیگر بخواهند. برای اینکه همسر آرامش داشته باشد، موضوعات ناراحت‌کننده را وقتی مطرح می‌کنم که خسته نباشد. در خانه موقعیتی فراهم می‌کنم که همسر آسایش داشته باشد.	آرامش	فضای ارتباط زناشویی	کدگذاری انتخابی
پنهان‌کاری نداریم. از روی صداقت برای هم هر کاری می‌کنیم. با صداقت همه چیز را با همسر مطرح می‌کنم و از او کمک می‌گیرم. ما بالاترین تعهد را نسبت به یکدیگر داریم. نباید چیزی را از هم پنهان کنیم. در ابتدا خیلی مشکل بود که همه چیز را با همسر در میان بگذارم. ولی هیچ وقت پنهان کاری نکردم. همسر خیلی کمک می‌کرد. همسر صداقت، ایمان و درک خوبی دارد، سایر ویژگی‌هایش کمتر مورد توجه من است.	صداقت	محور ارتباط زناشویی	کدگذاری انتخابی
الآن دو تا فکر ما شده یکی. الان همه چیز ما با در کنار هم بودن معنا پیدا می‌کند.	همکاری در ساختن معنای مشترک	کدگذاری انتخابی	کدگذاری انتخابی
اگر بخواهم انتخاب کنم حتماً دوباره همسر را انتخاب می‌کنم. مرد ستون زندگی است. یک‌رنگی در تصمیم‌گیری که نیازمند گذشت است. قطعه‌ای که با قطعه دیگر می‌تواند مطابقت و تکمیل‌کنندگی داشته باشد. بعد از ازدواج یک همدم و تکیه‌گاه پیدا کردم.	همخوانی معنای زندگی مشترک	الگوی معنایی	الگوی معنایی در پایداری و موفقیت ازدواج تأثیر مثبت و منفی دارد.
در مواقع لزوم از همسر مشاوره می‌گیرم. همسر به خواسته‌های من احترام می‌گذارد. ما نظرات خودمان را به هم می‌گوئیم، ولی برای تغییر نظرات به دیگری فشار نمی‌آوریم. اعتقادات یکدیگر را نفی نمی‌کنیم. باید همدیگر را درک کنیم و به هم آزار نرسانیم.	توانایی مذاکره	کدگذاری انتخابی	کدگذاری انتخابی

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های معنایی زندگی در زوجین رضایت‌مند زناشویی در یک نگاه

معانی	مؤلفه‌ها	زنان	مردان
معنای زندگی فردی	ارتباط با خدا	خدااباوری توکل به خدا عبادت باور به زندگی اخروی	خدااباوری توکل به خدا عبادت باور به زندگی اخروی به عنوان تولد دوباره
	ارتباط با خود	خودآگاهی بخشش انعطاف‌پذیری امیدواری صدقت هدمندی زندگی خویش‌داری	خودآگاهی امیدواری صدقت هدمندی زندگی خویش‌داری
	ارتباط با دیگران	عشق و ابراز محبت اعتماد مسئولیت‌پذیری همدلی	عشق و ابراز محبت اعتماد همدلی
ارتباط با جهان	سعی در حفظ طبیعت علاقه و احترام به طبیعت	باور به اینکه طبیعت، مخلوق خداست علاقه و احترام به طبیعت	
معنای ازدواج	اهداف ازدواج	حمایت دو جانبه	حمایت دو جانبه
	موقعیت ازدواج	رابطه خاص رابطه نیازمند مراقبت	رابطه خاص رابطه نیازمند مراقبت
	دوام ازدواج	رابطه مستمر	رابطه مستمر
	ماهیت ازدواج	تعهد اجتماعی بلوغ	تعهد اجتماعی بلوغ
ساختار روابط	وجود هرم نقش تصمیم‌گیری مشارکتی	وجود هرم نقش تصمیم‌گیری مشارکتی	
معنای زندگی مشترک	فضای ارتباط زناشویی	آرامش	آرامش
	محور ارتباط زناشویی	صدقت	صدقت
	افق ارتباط زناشویی	رشد تربیت فرزند	رشد تربیت فرزند

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج در همه جوامع بشری، رسم مقدسی است. نظام‌های اجتماعی بدوی و یا متمدن، ازدواج و مراسم عروسی را با آیین‌ها و نمادهای مذهبی احاطه کرده‌اند و ازدواج، همواره رسم مقدسی به‌شمار می‌آید که دارای حدود مذهبی و قانونی است تا وجود آن استمرار یابد و درستی‌اش تأیید شود (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۵۷). زوجین رضایت‌مند زناشویی بر خدااباوری و عمل به باورهای دینی تأکید داشتند. هیتن و پرت (Heaton & Pratt) (۲۰۰۴) اعلام نمودند که همبستگی مثبت و معناداری بین عمل به باورهای دینی و میزان رضایت‌مندی زناشویی وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش پایبندی به باورهای دینی، رضایت‌مندی زناشویی زیاد می‌شود. در طول تاریخ، ایمان و نهاد مذهبی وابسته به آن (کلیسا)، هم به مؤمنان آسایش خاطر داده‌اند و هم آنها را به پرس‌وجو می‌گیرند. وقتی غم و اندوه روی می‌دهد، کارکرد آسایش‌بخش دین را می‌توان به روشنی مشاهده کرد. زمان فشار و فقدان، انسان‌ها به خدای خود روی می‌آورند و از طریق اعمال عبادی آرامش می‌یابند (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۳۰). البته هولاهان و موس، گزارش نمودند که ارتباط با خدا ممکن است آثار سازنده یا مضر در غلبه بر مشکلات داشته باشد؛ اثرات مثبت، از طریق آرامش و اتخاذ راه‌حل‌های جدید برای حل مشکلات و مضر، در اثر توکل منفعلانه به خدا و توقع حل مشکل توسط او، بدون انجام هرگونه تلاش و کوشش در این زمینه (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶۶۶).

آرامش: زوجین شرکت‌کننده در پژوهش فضای ارتباط زناشویی را آرامش می‌دانستند. در دیدگاه اسلام، یاد خدا از ارکان ایجاد آرامش در نظر گرفته می‌شود (رعد: ۲۸). در روابط زوجین، از مهم‌ترین ملاک‌های استواری زندگی زناشویی است. براساس آیات قرآن، یاد خدا از طریق ایجاد آرامش در قلب زوجین، در زمان بروز مشکلات، می‌تواند یاری‌رسان زوجین در حل مشکلات باشد. معنای زندگی و تأثیر باورهای دینی بر خانواده و روابط زناشویی، خود را در معنادهی به زندگی و زندگی زناشویی، انجام واجبات و پرهیز از گناهان و تحمل مشکلات خانواده نشان می‌دهد (بدیع و همکاران، ۱۳۹۰).

صدقت: زنان و مردان شرکت‌کننده در پژوهش، هر دو صدقت را به‌عنوان محور ارتباطی زندگی زناشویی و مؤلفه معنای زندگی فردی خود باور داشتند و صدقت را در روابط خود با یکدیگر به کار می‌گرفتند. در دیدگاه اسلام، صدقت از ارکان ارتباطات انسانی و ملاک ایمان در نظر گرفته می‌شود (نحل: ۱۰۵). در روابط زوجین، از مهم‌ترین ملاک‌های استواری زندگی زناشویی است. براساس آیات قرآن، فقدان صدقت، راه بسیاری از مشکلات را به سوی خانواده باز می‌نماید و زمینه اختلاف را ایجاد می‌کند.

مؤلفه‌های معنای زندگی فردی زوجین رضایت‌مند بر خدا باوری، پایبندی به اعمال مذهبی، توکل به خدا در مشکلات به خدا اشاره داشت. همچنین باور به زندگی پس از مرگ، منشأ تأثیرات زیادی بر زندگی زوجین بود. این زوجین، علاوه بر دارا بودن خودآگاهی بالا، از ویژگی‌های مشترکی که ضامن حفظ ثبات و پایداری خانواده است (صبر، بخشش، گذشت و امیدواری) برخوردار بودند. به علاوه، زنان از ویژگی بخشش و انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری‌ها، نقش‌ها و انتخاب اهداف خانوادگی برخوردار بودند. زوجین برای حل موارد عدم توافق، با یکدیگر مذاکره می‌نمودند و عقیده خود را به یکدیگر تحمیل نمی‌کردند.

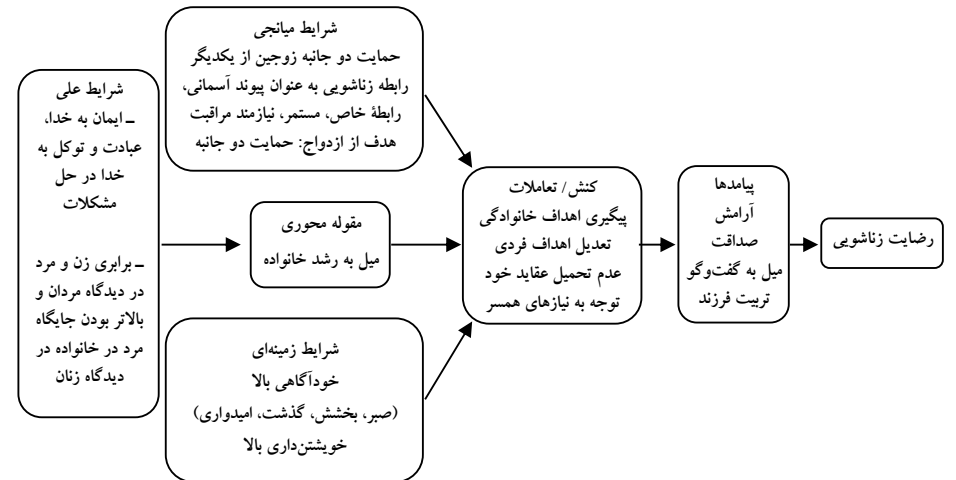
مهرورزی، احترام و حمایت متقابل و مذاکره، نگاه همدلانه و سعی در درک دیدگاه همسر و انعطاف‌پذیری در زوجین مشاهده می‌گردید. زوجین نمونه، در هر فرصتی برای ابراز علاقه به یکدیگر بهره می‌بردند و از اینکه همسرشان به سایرین (پدر و مادر، خواهر و برادر) مهرورزی نماید، احساس تهدید نمی‌کردند. مردان، محبت کلامی را به عنوان تزویر می‌دانستند. گرچه زنان تمایل زیادی به دریافت محبت کلامی داشتند، با این موضوع کنار آمده بودند. زنان گروه نمونه، احساس مسئولیت‌پذیری بالایی داشتند. علاوه بر اینکه، مهارت برقراری تعادل بین خانواده و دیگران را داشتند. این احساس آنها شامل خانواده پدری همسرشان هم می‌شد. به طوری که می‌کوشیدند مراقبت‌هایی را که در خصوص والدین خود داشتند، در مورد والدین همسرشان هم داشته باشند، یا حداقل مانع رسیدگی همسرشان به والدینش نمی‌شدند. گروه نمونه، برای هر تصمیم‌گیری، با هم مذاکره می‌نمودند. در مؤلفه‌های معنای ازدواج، هدف ازدواج، بیانگر حمایت دو جانبه بوده و متوجه اهداف خانوادگی بود. انعطاف‌پذیری در خصوص تغییر اهداف فردی به خانوادگی در زوجین مشهود بود.

همچنین دیدگاهی الهی در خصوص اهداف ازدواج داشتند. ازدواج را به عنوان رابطه‌ای خاص، الهی و پیوندی آسمانی و متفاوت از سایر ارتباطات در نظر می‌گرفتند. همسر را هدیه الهی و خانواده را محل تحقق خواسته الهی در نظر داشتند. ازدواج آنها سنتی بوده، در شرایط و زمان مناسب از نظر خود و با نظارت خانواده، تحت قوانین عرفی و شرعی و با شناخت کافی زوجین از یکدیگر و خانواده‌ها، ازدواج نموده بودند. گزارش نمودند که حمایت خانوادگی و مالی در اوایل ازدواج از سوی والدین دریافت داشته‌اند. توکل به خدا و قدردانی از یکدیگر و امید به بهبود روابط در روابط آنان به چشم می‌خورد. آنها سهم خود را در مسایل و مشکلات در نظر داشتند و

تربیت فرزند: زوجین شرکت‌کننده در پژوهش، هر دو رشد خانواده و تربیت فرزند آشنا با ارزش‌های خود را به عنوان افق زندگی زناشویی خود باور داشتند. براساس آیه ۷۴ سوره فرقان، تربیت نسل شایسته هدف هر خانواده است. هدف اساسی از تشکیل خانواده، بر دو محور «همسران- فرزندان» استوار است؛ بدین معنا که فلسفه ازدواج، امری دو مؤلفه‌ای است که یک مؤلفه آن به همسران و مؤلفه دیگر آن به فرزندان اختصاص دارد. فلسفه ازدواج در بعد همسران «سکونت و آرامش» است و در بعد فرزندان، «تربیت نسل توحیدی». بنابراین، می‌توان فلسفه ازدواج را «سکونت - تربیت» دانست (ر.ک: پسندیده، ۱۳۹۱).

مذاکره: به عقیده گلاسر، موفقیت در ازدواج با یادگیری شیوه گفت‌وگو با هم نسبت مستقیم دارد. تنها راه حل مشکلات زناشویی، گفت‌وگو با زبانی مهرورزانه است. گفت‌وگویی بدون باخت که هر دو طرف برنده باشند. هریک از زوجین، به روشنی پیشنهاد می‌کنند چه چیزی به حل مشکل کمک می‌کند. به محض ایجاد هر مشکلی، بایستی آن را با گفت‌وگو و مذاکره حل نمود. زوجین باید خواسته‌های خود را به طور روشن با یکدیگر در همه حوزه‌ها مطرح نمایند. گفتن خواسته خود به همسر، نه تنها به نفع خود فرد است؛ به طرف مقابل امکان می‌دهد بدون احتمال شکست، موفق شود و اعتماد به نفسش در زندگی افزایش یابد. بدون این کار، هریک از زوجین، چاره‌ای ندارند جز اینکه سعی کنند خواسته همسر خود را حدس بزنند؛ حدسی که ممکن است غلط از آب درآید (گلاسر و گلاسر، بی تا، ص ۶۳).

شکل ۱. ارتباط مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، معنای ازدواج و معنای زندگی زناشویی در زوجین رضایت‌مند زناشویی



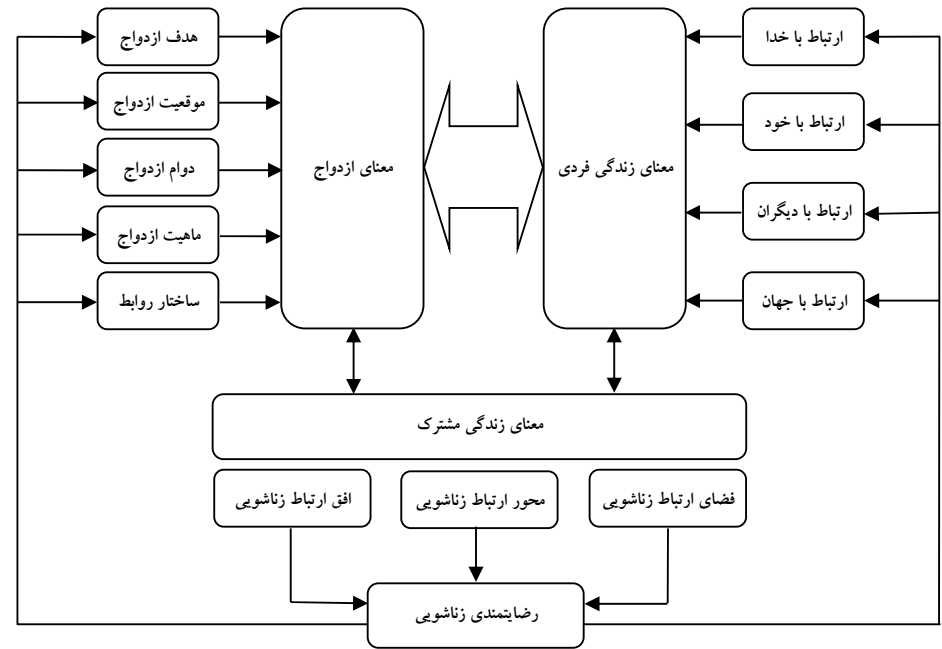
می‌شود. یافته‌های این پژوهش، با یافته‌های پژوهشی هال (Hall) (۲۰۰۶)، آپریسان و کریستیا (۲۰۱۲)، همخوانی دارد. همچنین شیخی و همکاران (۱۳۹۲)، در بررسی معنایی طلاق دریافتند وجود سه دسته عوامل به عنوان مقولات اصلی و در عین حال، مرتبط با هم منجر به بروز پدیده طلاق می‌گردد: ناهمخوانی معنایی، ناهمخوانی تبیینی و ناهمخوانی به روز شدن. این یافته‌ها، اطلاعات خوبی درباره ابعاد مختلف معنای زندگی در زوجین و نقش آن بر زندگی زناشویی در اختیار ما می‌گذارد. می‌توان از آن، به منظور طراحی شیوه‌های آموزشی و ارتقادهنده رضایت زناشویی استفاده نمود. زوجین رضایتمند زناشویی، افق و معنای نزدیکی از زندگی دارند، تمایل زیادی به گفت‌وگو با یکدیگر دارند، نسبت به تغییر معنای زندگی آموخته‌شده قبلی خود، حالت گشودگی دارند. در دستیابی به معنای مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. مؤلفه‌های معنای زندگی فردی، همگی مبتنی بر فطرت انسانی است. زوجین شرکت‌کننده در پژوهش، خداباوری را به‌عنوان اولین مؤلفه معنای زندگی خود می‌دانستند. زمانی که این خداباوری با عمل به دستورات الهی و باور باطنی همراه می‌شود، منشأ تأثیرات شگرفی در ارتباط زناشویی و استحکام بنیان خانواده می‌گردد.

خانواده، منبع اصلی تأمین نیازهای عاطفی افراد در یک جامعه است. یافته‌های این پژوهش، نشان داد زوجین رضایتمند به اندازه سایر زوجین با مشکلات متعددی در روابط خود مواجه‌اند، اما زمانی که زوجین در فضایی سرشار از همدلی، به طرح مسایل و نگرانی‌های خود می‌پردازند، می‌آموزند احساسات خود را به دور از ترس و قضاوت برای یکدیگر فاش نمایند، این حالت را در همسر خود نیز ایجاد می‌نمایند. بیان افکار و احساسات، زمانی که منجر به دریافت پاسخ‌های عاطفی مناسب و درک همسر می‌شود، نگرش توجه‌آمیز همسران به مسائل یکدیگر را تقویت می‌کند. هریک از زوجین، می‌آموزند به نگرش همسر خود از موضوع احترام بگذارند و در حل صحیح موضوعات پیرامون زندگی زناشویی، به راحتی با یکدیگر مذاکره نمایند. چنین روندی در ادامه، منجر به دستیابی به فهم مشترک از مسایل، احساس معنا و افزایش رضایت زناشویی می‌گردد.

استقرار و رشد مؤلفه‌های معنای زندگی، نیازمند برنامه‌ریزی مستمر می‌باشد. همین مسئله لزوم توجه برنامه‌ریزی درازمدت در این زمینه را بیان می‌کند. تربیت مذهبی صحیح و آگاهی‌بخشی به کودکان و نوجوانان در خصوص ابعاد گوناگون ازدواج در دوران تحصیل،

تلاش می‌نمودند که در برطرف نمودن مشکل با همسر خود همکاری کنند. از رابطه زناشویی خود مراقبت نموده و گرچه از زمان ازدواج، این پیوند را مستمر می‌دانستند، ولی به فهم بالاتری از استمرار رابطه در طی زمان پی برده بودند. زنان بر بالاتر بودن جایگاه مرد در خانواده و مردان بر برابری جایگاه زن و شوهر تأکید داشتند. آرامش، صداقت، رشد خانواده و تربیت فرزند، معرف چشم‌انداز آینده زندگی زناشویی آنان بود.

شکل ۲. مدل گسترده الگوی معنای زندگی رضایت بخش زناشویی



یافته‌های این پژوهش، ضمن معرفی مؤلفه‌های معنایی زوجین رضایتمند، حاکی از این است معنای زندگی فردی زوجین بر معنای ازدواج و معنای زندگی مشترک آنها تأثیر می‌گذارد. دلیل رضایتمندی زوجین، تأثیرات مطلوب معنای زندگی فردی و معنای ازدواج در هریک از زوجین و همچنین توانایی آنان در دستیابی به معنای مشترک رضایت‌بخش، از طریق مذاکره می‌باشد. معنای زندگی فردی، هم به شیوه مستقیم بر معنای ازدواج و معنای زندگی مشترک زوجین تأثیر دارد و هم از طریق تأثیرگذاری بر معنای ازدواج، منشأ تأثیر بر معنای زندگی مشترک زوجین

می‌تواند از شکل‌گیری باورهای غلط در خصوص ساختار و روابط زندگی زناشویی در ذهن آنان جلوگیری نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود برگزاری کلاس‌های آموزشی، با موضوع مشاوره پیش از ازدواج و روشن‌سازی اهداف، موقعیت، ماهیت و ساختار روابط زناشویی، از یک‌سو، و مهارت‌های حل مسئله و مذاکره از سوی دیگر، مدنظر برنامه‌ریزان قرار گیرد. این پژوهش، دارای محدودیت‌هایی نیز بود. به دلیل اینکه ما می‌خواستیم به نوعی از معنا دست یابیم که مؤلفه‌های ایجابی معنای زندگی رضایت‌بخش را نشان دهد، تنها از نظرات زوجین رضایتمند زناشویی در این پژوهش استفاده شد. همچنین ویژگی‌های گروه نمونه (طول مدت زندگی زناشویی، تعداد فرزند، سن، مذهب) سبب می‌شود نتایج ما نیز محدود به زوجینی با ساختار زناشویی، مانند زوجین شرکت‌کننده در این پژوهش شود. این پژوهش، مانند همه پژوهش‌هایی که ابزار گردآوری اطلاعات در آنها مصاحبه است، با مشکلاتی چون میل به ارائه پاسخ‌های قابل توجه به مصاحبه‌کننده، پرحرفی یا کم‌حرفی مصاحبه‌شونده و خستگی مواجه بوده و ممکن است نگرش، منش و رفتار پژوهشگر بر یافته‌ها تأثیر گذاشته باشد.

منابع

- اسپیلکا، برنارد و همکاران، ۲۰۰۳، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- بدیع، علی و همکاران، ۱۳۹۰، «*بررسی رابطه بین هوش معنوی و رضایت زناشویی*» در: مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی روان‌شناسی دین و فرهنگ، تهران، دانشگاه تهران و سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۱، *رضایت زناشویی*، قم، دارالحديث.
- رضایی، جواد و همکاران، ۱۳۹۰، «*بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و گرایش‌های معنوی در زوجین دانشجوی دانشگاه اصفهان*» در: مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی روان‌شناسی دین و فرهنگ، تهران، دانشگاه تهران و سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره.
- شیخی، خالد و همکاران، ۱۳۹۲، «درک معنایی طلاق و کشف پیامدهای مثبت آن (مطالعه‌ای کیفی)»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ویژه‌نامه خانواده و طلاق*، ش ۱، ص ۶۴-۷۷.
- گلاسر، ویلیام و کارولین گلاسر، بی‌تا، *ازدواج بدون شکست*، ترجمه سمیه خوش‌نیت نیکو و هدی برازنده، مشهد، فرانتگیزش.
- گواهی جهان، فاطمه، ۱۳۸۴، *بررسی ارتباط بین معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی در میان مراجعین به مراکز مشاوره و روان‌درمانی در مقایسه با جمعیت عادی در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- نصر اصفهانی، نرگس، ۱۳۹۰، *بررسی اثربخشی آموزش معنا محور بر عملکرد خانواده و صمیمیت زناشویی زنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۰، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*، تهران، سمت.
- Berg, B. L., ۲۰۰۱, *Qualitative Research Methods for the Social Sciences, 4th edition*, Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.
- Boss, P., ۱۹۸۰, The Relationship of Wife's Sex Role Perceptions, Psychological Father Presence, and Functioning in the Ambiguous Father-absent MIA family, *Journal of Marriage and the Family*, v. ۴۲, p. ۵۴۱-۵۴۹.
- Dollahite, D. C. & Lambert, N. M., ۲۰۰۸, Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples, *Review of Religious Research*, v. ۴۸(۳), p. ۲۹۰-۳۰۷.
- Dollahite, D.C. & et al, ۲۰۱۲, "Something More": The Meanings of Marriage for Religious Couples in America, *Marriage & Family Review*, v. ۴۸ (۴), p. ۳۳۹-۳۶۲.
- Hall, S. S., ۲۰۰۶, Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage, *Journal of Family Issues*, v. ۲۷ (۱۰), p. ۱۴۳۷-۱۴۵۸.
- Heaton, T.B. & Pratt, E.L., ۲۰۰۴, The Effects of Religious Homogamy on Marital Satisfaction and Stability, *Journal of Family Issues*, v. ۱۱(۲), p. ۱۹۱-۲۰۷.
- Lantz, J., ۲۰۰۰, Family logotherapy, *Contemporary family therapy*, v. ۸ (۲), p. ۱۲۴-۱۳۵.
- Mahoney, A. & et al, ۲۰۰۳, Sanctification of family relationships, *Review of Religious Research*, v. ۴۴, p. ۲۲۰-۲۳۶.
- Mohamad, M. & et al, ۲۰۱۱, Meaning in Life among Muslim Students, *Social and Behavioral Sciences*, v. ۳۰, p. ۷۴۳-۷۴۷.
- Oprisan, E. & Cristea, D., ۲۰۱۲, A few variables of influence in concept of marital satisfaction, *Journal of Social and Behavioral Sciences*, v. ۳۳, p. ۴۶۸-۴۷۲.
- Pargament, K. L. & Mahoney, A., ۲۰۰۵, Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. ۱۵, p. ۱۷۹-۱۹۸.